

نوشته : دکتر هوشنگ مقتدر

سازمانهای اروپائی و وحدت اروپا

اندیشه وحدت اروپا چیز تازه‌ای نیست. بودند جنگاورانی چون ناپلئون بناپارت و سیاست پیشگانی چون بریان که اولی حصول وحدت اروپا را از طریق اعمال زور و دومی از راه مسالمت‌آمیز جستجو میکردند. معذکک وقوع یک جنگ جهانی مهلک لازم بود که تأسیسات اروپا را از هم متلاشی سازد. ارزش‌ها و وفاداری‌های دیرین را متزلزل نماید و ناسیونالیسم را از اعتبار بیاندازد. برخلاف ملت انگلیس که طعم تلخ اشغال بیگانگان رانچشیده بود و ناسیونالیسم و وفاداری‌های دیرین همچنان برای آنان مایه غرور و سرافرازی بود، اشغال خاک اروپای قاره‌ای (کنتینانتال) توسط نیروهای مهاجم و ویرانی‌های ناشی از آن بیهودگی ارزش‌های دیرین را بخوبی نشان میداد. پیشروی نیروهای شوروی و آمریکا از دو طرف برای سرکوبی نقطه مرکزی (آلمان) اروپا را از میان بدوینیم کرد و ویرانی و نابسامانی‌های جنگ فرقی میان غالب و مغلوب باقی نگذاشت. بنابراین اگر قرار بود اروپا مجدداً بتواند در صحنه روابط بین‌المللی نقشی داشته باشد باید متحد میگردد. این یک الزام تاریخی و یک نیاز تکنولوژیکی بود. دولت‌های ملی (Nation - State) بنظر میرسید واحد متناسبی برای نیازهای زمان نباشد. همانگونه که اختراع باروت برج و قلاع دوران قرون وسطی را بی‌معنی کرده بود آیا اختراع بمب اتم و تحولات تکنولوژیکی اساس دولت‌های ملی را واژگون نمیساخت؟

۱- اریستید بریان پیشنهاد کرده بود که اعضای اروپائی جامعه ملل یک دولت فدرال

اروپا یا (European Federal Union) تشکیل دهند. نگاه کنید به:

A.H. Robertson, European Institutions, Stevent, 1966, P. 4.

بنابراین عللی که به تشکیل سازمانهای اروپائی منجر گردید میتوان چنین
 دصه کرد:

۱- اندیشه اروپا *Idée De L'Europe*: یا فکر وحدت اروپا که از میراث مشترک
 ن و فرهنگ اروپا سرچشمه میگرفت. این فرهنگ مشترک تشکیل میشد از سنن
 فی یونان قدیم - حقوق رم - رنسانس - انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی. بعلاوه
 نگونه که یکی از صاحبنظران گفته است 'اندیشه اروپا از یک «احساس تاریخی»
 ن میگردد زیرا در تاریخ اروپا گرایش بسوی تمرکز همیشه وجود داشته است:
 اه کنید که چگونه دولت شهرهای یونان قدیم سرانجام بیکدیگر پیوستند و چگونه
 های مستقل ایتالیا با الحاق بیکدیگر جمهوری ایتالیا را بنیان نهادند و وحدت
 ری از کشورهای اروپائی این سیر را تکمیل کرده است از قبیل تشکیل کنفدراسیون
 س - وحدت اسپانیا با ازدواج فردیناند و ایزابل و وحدت ایتالیا به همت گاریبالدی
 مدت آلمان بدست بیسمارک»^۲.

۲- دلیل دوم گسترش سازمانهای اروپائی مشترک با سازمانهای بین المللی
 . پس از جنگ دوم جهانی صدها سازمان بین المللی بمنظور تسهیل روابط و
 انجام وظیفه نمودن سیستم دولتهای سلی تشکیل شد بگفته یکی از صاحبنظران
 ز جهان اینهمه سازمان بین المللی بخود ندیده است. این گسترش و رشد سازمانهای
 ملی ناشی از طبع پیچیده تمدن بشر در نیمه دوم قرن بیستم و نیاز کشورهای به همکاری
 - بگر بوده است. طبع برخی امور صرفاً بین المللی است و ناگزیر باید نسبت بآن
 مت جهانی اتخاذ کرد. مانند حمل و نقل پستی - ارتباطات تلگرافی و تلفنی -
 نت - هواپیمائی وغیره. همچنین واضح است که ویروس پشت سرزهای یک کشور
 ی ایستد و طبع هواپیما گذشتن از مرز کشورها در هر ساعت روز و شب است.
 از سوی دیگر تأمین بسیاری خدمات که دولتها خود را بتأمین آن متعهد ساخته اند

۱- Robertson, the law of International Institutions In Europe, 19

۲- همان مرجع.

بستگی به اموری دارد که خارج از سرزهای یک کشور رخ میدهند. بنابراین اگر کشوری بخواهد از نظر دفاعی آماده باشد باید با کشورهای دیگر در ترتیبات دفاعی شرکت کند. همچنین سطح اشتغال و سطح زندگی در یک کشور بستگی به سیاست مالی و تجاری کشورهای دیگر دارد و برای تأمین یک تجارت خارجی شکوفان جلب همکاری سایر کشورها از طریق معاهدات و اتحادیه‌های اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است.

۳- تحولات دنیای پس از جنگ دوم:

شاید بتوان مهمترین عامل گسترش سازمانهای اروپائی را تحولات سیاسی - اقتصادی و نظامی دنیای پس از جنگ دوم دانست. این تحولات عبارت بود از قدرت گرفتن دو کشور بزرگ بنحوی که نیروی آنها با دیگر کشورها تفاوت فاحش پیدا کرد و دیگر ضعف و سستی اروپا که مقام سنتی خود را در صحنه بین‌المللی از دست داد. بنابراین اگر قرار بود اروپا مجدداً نقش یک بازیگر مستقل را در صحنه سیاست بین‌المللی داشته باشد سی‌ باید متمرکز میشد و منابع خود را درهم ادغام میکرد. از سوی دیگر پیشروی شوروی در اروپا و استقرار رژیمهای کمونیستی طی سالهای ۴۹-۱۹۴۴ در کشورهای اروپای شرقی و نیز حضور نظامی آمریکا در اروپا رقابت شدیدی را بین دو کشور نیرومند جهان برانگیخت که مستقیماً به تشکیل برخی سازمانهای اروپائی منجر گردید.

تکوین سازمانهای اروپائی:

سالهای ۴۹-۴۸-۱۹۴۷ از جهت تکوین سازمانهای اروپائی سالهای باروری بوده است. در این سالها شاهد تأسیس چهار سازمان مهم اروپائی هستیم یعنی سازمان اروپائی همکاری اقتصادی - سازمان پیمان بروکسل - شورای اروپا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی.

۱- سازمان همکاری اقتصادی اروپائی (OECC)

سازمان همکاری اقتصادی اروپائی ازطرح مارشال سرچشمه گرفت. باین معنی که ایالات متحده آمریکا پس از شکست کنفرانس مسکو (ده مارس ۱۹۴۷) و عدم حصول توافق با شوروی در مورد وحدت آلمان و حکومت های کشورهای اروپائی شرقی، تصمیم گرفت موضع خود را در کشورهای اروپائی غربی تحکیم کند. بگفته روستو (Rostow) طرح مارشال «تعرض متقابل» امریکا در قبال شکست مذاکرات مسکو بود^۲. خبرهای بد اقتصادی که از اروپا میرسید همراه با توسعه نفوذ کمونیسم در کشورهای اروپائی غربی بویژه فرانسه و ایتالیا آمریکا را برآن داشت که برنامه وسیعی برای کمک به اروپا به منظور مقابله با کمونیسم تدارک ببیند. ایالات متحده پس از جنگ بصورت بزرگترین قدرت اقتصادی و نظامی روی زمین درآمد. بود. $\frac{۳}{۴}$ کل سرمایه گذاریهای موجود در آمریکا سرمایه گذاری شده بود و $\frac{۲}{۴}$ محصولات صنعتی جهان متعلق بآمریکا بود^۳. ازسوی دیگر اروپائی ورشکسته و نابسامان برای ترمیم بنیه اقتصادی خود نیاز مبرم به کمک ایالات متحده داشت. بحران دلار که نتیجه خروج دلار از اروپا به آمریکا بود، نشان میداد که بدون کمک آمریکا، اروپا قادر نخواهد بود صنایع پیشرفته خود را مجدداً سامان دهد.

بنابراین در ه ژوئن ۱۹۴۷ وزیر خارجه وقت آمریکا جرج مارشال^۴ در یک سخنرانی در دانشگاه هاروارد طرح معروف خود را در مورد احیای اقتصادی اروپا (ERP)^۵ اعلام کرد. وی از کشورهای اروپائی دعوت کرد تا نخست امکانات - منابع و نیازهای خود را بررسی کنند و براین اساس طرح مشترکی تنظیم نمایند. این

۱- Organization for European Economic Cooperation.

۲- W.W. Rostow, The U.S. In the World Arena, N.Y., Harper, 1960, p. 209.

۳- D. Horowitz, From Yalta to Vietnam, Penguin, 1967, p. 74.

۴- George Marshall.

۵- European Recovery Program.

طرح سورد پشتیبانی ایالات متحده قرار خواهد گرفت. وی اضافه کرد که کمک مزبور شامل شوروی و کشورهای اروپای شرقی نیز خواهد بود. بلافاصله پس از اعلام این دعوت وزیر خارجه بریتانیا، بوین، با وزیر خارجه فرانسه بیدو در پاریس ملاقات کرد و سپس از وزیر خارجه شوروی دعوت شد که به آنها به پیوند. پیشنهاد مزبور با استقبال دولت شوروی روبرو شد. مولوتف همراه با ۸ تن کارشناس اقتصادی و مشاور به کنفرانس وارد شد. معذک عدم توفیق شوروی برای تحصیل شش میلیارد دلار اعتبار از آمریکاطی سه سال قبل سبب شده که مولوتف جانب احتیاط را رعایت کند. در مدت دو روزی که مولوتف در کنفرانس باقی ماند وزرای خارجه بریتانیا و فرانسه طرح پیشنهادی خود را که مستلزم یک برنامه مشترک اقتصادی از طرف کشورهای اروپائی بود بوی تسلیم داشتند. این طرح با مخالفت شدید مولوتف و سرانجام خروج وی از کنفرانس روبرو شد. بلافاصله دولت شوروی کمکها را برای خود و دیگر کشورهای اروپائی تحریم کرد. به نظر دولت شوروی باید کمکها بصورت دو جانبه صورت میگرفت نه از طریق یک برنامه مشترک اقتصادی که مستلزم تبعیت اقتصاد کشورهای اروپای شرقی از یک سیستم مشترک اقتصادی باشد. شوروی اجرای طرح مشترک اقتصادی را مغایر با حاکمیت کشورهای سوسیالیستی و مابین با اقتصاد برنامه ای آنها بویژه برنامه صنعتی شدن قلمداد کرد.

پس از خروج مولوتف، نمایندگان شانزده کشور اروپائی در ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۷ به منظور تهیه طرح سورد نظر در پاریس اجتماع کردند. این کشورها بقرار زیر بودند: بریتانیا - فرانسه - اطریش - ایتالیا - ایسلند - نروژ - دانمارک - بلژیک - هلند - لوکزامبورگ - سوئد - پرتقال - سوئیس - یونان و ترکیه.

کنفرانس تصمیم گرفت کمیته ای بنام کمیته اروپائی همکاری اقتصادی (CEEC) مرکب از نمایندگان کلیه کشورهای شرکت کننده در کنفرانس بمنظور تعیین نیازهای مالی و ارزی این کشورها طی سالهای ۵۲ - ۱۹۴۸ تشکیل دهد.

کمیته مزبور پس از تشکیل، طرح لازم را تهیه و به کنفرانس گزارش کرد. کنفرانس این طرح را تصویب و برای بررسی به وانشگتن ارسال داشت. از سوی دیگر آنلانتیک، ایالات متحده آمریکا بموجب قانون کمکهای خارجی (۱۹۴۸) مبلغی معادل چهار میلیارد و سیصد هزار دلار بصورت کمک و نیز مبلغ یک میلیارد دلار بصورت وام در نخستین سال بکشورهای اروپائی اختصاص داد. همچنین در اجرای قانون مزبور سازمانی بنام اداره همکاری اقتصادی بوجود آمد تا در اجرای برنامه احیای اقتصادی (ERP) نظارت نماید. رئیس جمهوری ایالات متحده، ترومن، بکنگره توصیه کرد که در مدت اجرای طرح (۱۹۴۸-۵۲) جمعاً مبلغی معادل ۱۷ میلیارد دلار برای کمک اقتصادی به اروپا تخصیص داده شود^۱.

بلافاصله پس از تصویب قانون کمکهای خارجی ۱۹۴۸، کشورهای عضو کمیته همکاری اقتصادی اروپائی تصمیم گرفتند که یک سازمان دائمی بمنظور اجرای طرح کمکهای آمریکا و تأمین همکاری اقتصادی بین خود تشکیل دهند. بنابراین با امضای مقاله نامه همکاری اقتصادی اروپائی در آوریل ۱۹۴۸ یک سازمان دائمی بنام سازمان همکاری اقتصادی اروپائی (OEEC) تشکیل شد. به موجب مقاله نامه مزبور سازمان همکاری اقتصادی اروپائی دارای دو هدف عمده بود: اول هدف کوتاه مدت که عبارت بود از ترتیب توزیع کمکهای آمریکا بین کشورهای اروپائی و دوم همکاری اقتصادی به منظور تقویت بنیه اقتصادی کشورهای مزبور از طریق بالابردن سطح تولید و تجارت بین کشورهای عضو. تا سال ۱۹۴۹ فرماندهان نیروهای اشغالی سه کشور در آلمان غربی، نمایندگی آلمان غربی را در سازمان بعهده داشتند ولی از این سال به بعد دولت آلمان فدرال مستقیماً به عضویت سازمان درآمد. دولتهای ایالات متحده آمریکا و کانادا در سال ۱۹۵۰ به عضویت وابسته سازمان درآمدند و دولت اسپانیا نیز بعداً به عضویت پذیرفته شد.

۱- Goodspeed, the Nature and Function of International organization, N.Y., Oxford, 1967, pp. 608-9.

از نظر تشکیلات مهمترین رکن سازمان شورا بود که در آن کلیه اعضا نماینده داشتند. همچنین کمیته‌های مختلف فنی شورا را در انجام وظائفش یاری میکرد. مقر اصلی و دبیرخانه سازمان در پاریس قرار داشت که در آن چند صد تن کارمند از کشورهای مختلف بکار اشتغال داشتند.

سازمان همکاری اقتصادی اروپائی در سالهای بعد با استفاده از کمکهای آمریکا به صورت ابزار عمده انتقال اروپا از جنگ به صلح درآمد. سازمان مزبور توفیق یافت که تولید و تجارت کشورهای عضو را از طریق کاهش تعرفه و سایر موانع گمرکی احیاء کند و نیز مکانیسم لازم را برای تأمین اعتبار و تصفیة حساب بین کشورهای عضو بوجود آورد.

در حالی که سازمان همکاری اقتصادی اروپائی یک سازمان بین دول بود نه فوق دول معدنک توفیق یافت که افق دید کشورهای عضو را توسعه داده و روح همکاری بین المللی بین آنها را پرورش دهد.

سازمان همکاری اقتصادی اروپائی پس از پایان طرح مارشال سودمند بودن خود را همچنان حفظ کرد و در سال ۱۹۶۰ به دلائلی که بعد خواهیم دید بانام دیگر و اعضای بیشتر بکار خود ادامه داد.

پیمان بروکسل (مارس ۱۹۴۸): دولت شوروی و کشورهای اروپائی شرقی و نیز احزاب کمونیست طرح مارشال را یک اقدام تجاوز کارانه معرفی کردند. کمیونفرم (Cominform) فعالیت خود را احیاء کرد و مخالفت با طرح مارشال آغاز شد. مذاکرات باروسها بر سر برلن و آینده اروپا به نتیجه نرسید و روابط شرق و غرب همچنان به تیرگی

۱ - بعنوان پاسخی به طرح مارشال، استالین در این ایام پیوند های اقتصادی شوروی را با یک یک کشورهای اروپای شرقی مستحکم کرد و در ۱۹۴۹ شورای همکاری متقابل اقتصادی یا (Comecon) را با شرکت کشورهای اروپای شرقی تأسیس کرد. هدف کومکن ترمیم خسارات جنگ و تأمین همکاری اقتصادی بین کشورهای کمونیست اروپای شرقی و شوروی بویژه تأمین منافع اقتصادی اتحاد شوروی در این کشورها بود.

میرفت. در یونان حکومت موقتی دسکراتیک یونان که از طرف کشورهای اروپای شرقی حمایت میشد موجودیت خود را اعلام کرد. در اوایل سال ۱۹۴۷ نخست وزیر انگلستان (بوین) ضمن نطق مهمی در مجلس عوام پیشنهاد کرد که هسته اصلی وحدت اروپای غربی از اتحاد کشورهای بنه لوکس (Benelux) و بریتانیا و فرانسه بوجود آید قبلاً کشورهای بنه لوکس (بلژیک، لوکزامبورگ، هلند) بین خود یک اتحادیه گمرکی تشکیل داده بودند، تشکیل اتحادیه مزبور بدنبال مذاکرات بین حکومت‌های در تبعید سه کشور در زمان جنگ صورت گرفته بود.

مذاکرات بریتانیا با کشورهای بنه لوکس با حسن استقبال روبرو شد و نتیجه آن انعقاد یک عهدنامه دفاع دسته جمعی (Collective Self-Defens) بنام پیمان بروکسل بود.

بموجب پیمان بروکسل اعضای پیمان تعهد کردند که در صورتیکه یکی از آنها هدف حمله مسلحانه در اروپا قرار گیرد طرفهای دیگر پیمان کلیه کمکهای نظامی ممکن را در اختیار آن کشور قرار دهند. پیمان مزبور صریحاً با استناد به ماده ۱۰ منشور منعقد گردیده بود و دارای یک شورای مشورتی (Consultative Council) مرکب از وزرای خارجه کشورهای عضو بود که در صورت تقاضای هر یک از آنان میتوانست فوراً تشکیل جلسه دهد. کشورهای عضو پیمان بروکسل گرچه سعی کردند یک نیروی نظامی مشترک تحت فرماندهی مارشال مونتهگمری ایجاد کنند ولی نیروی نظامی آنها قابل مقایسه با نیروهای عظیم دولت شوروی در اروپا نبود. از این رو کشورهای عضو امیدوار بودند که پیمان بروکسل مقدمه‌ای برای همکاری وسیع‌تر بعدی با عضویت ایالات متحده آمریکا باشد. این اسباب تشکیل پیمان آتلانتیک شمالی صورت تحقق یافت.

پیمان آتلانتیک شمالی (Nato)^۱

یادآور شدیم که دولت آمریکا مصمم بود از نظر اقتصادی و نظامی اروپا را

۱- North Atlantic Treaty Organization.

در برابر توسعه نفوذ شوروی تقویت کند. طرح مارشال بمنظور تقویت اقتصادی اروپا تهیه شد. جناح نظامی این طرح بعهدہ ناتو گذارده شد. پیمان ناتو در واقع ادامه سیاست محاصره (Containment) شوروی بود که با اعلام دکترین ترومن آغاز شده بود. پس از پایان جنگ دوم تغییرات مهمی در روابط بین‌المللی روی داده بود: بازیگران سیاست بین‌المللی تغییر کرده بودند. وسائل پیکار بمنظور اجرای هدفهای ملی بنحوی سابقه‌ای دگرگون شده بود. از نظر اقتصادی و نظامی آمریکا مقام اول را در جهان بدست آورده بود. دولتهای انگلستان و فرانسه دولتهای درجه دومی شده بودند که از دست رفتن مستعمرات و انحطاط قدرت جهانی آنها به بحران اقتصادی داخلی آنها انجامیده بود. چرچیل در زمان جنگ اصرار داشت که جبهه دومی در بالکان گشوده شود تا در عین مقابله با نازیها از گسترش شوروی بسوی خاور جلوگیری کند. بدلائل نظامی این پیشنهاد قطع نظر از نتایج سیاسی آن مورد قبول آمریکائها قرار نگرفته بود. دولت شوروی در طول جنگ بتدریج که نازیها را از کشورهای اروپای شرقی بیرون میراند خود جای آنها را می‌گرفت. دولت مزبور بمدت سی ماه و هرمه ماه چهل میل در خاک کشورهای اروپای شرقی پیشروی میکرد. شوروی در اوت و سپتامبر ۱۹۴۴ صلح را در رومانی، فنلاند، بلغارستان برقرار کرد. کمک به آزادی یوگسلاوی نمود. ورشو، پوداپست و اطریش را مورد حمله قرار داد و سرانجام برلن را در سوم مه ۱۹۴۵ اشغال کرد.^۱

در حالیکه پس از جنگ اول کمونیسم بر روسیه حاکم شده بود، پس از جنگ دوم علاوه بر کشورهای بالتیک، اروپای شرقی - بالکان و چین تحت نفوذ کمونیست قرار گرفته بود و در آسیای جنوب شرقی و ایتالیا و فرانسه پیشروی قابل توجهی کرده بود. دولت آمریکا برای توجیه خطری که از جانب روسیه حس میکرد کافی بود به نقشه نگاه کند. از زمان ناپلئون به بعد هیچ کشوری نتوانسته بود آنقدر گسترش یابد. با وجودیکه دولت آمریکا پس از جنگ مصمم بود پیمان دفاعی نیرومندی با شرکت

کشورهای اروپای غربی تشکیل دهد ولسی افکار عمومی مردم آمریکا در سالهای بلافاصله پس از جنگ آماده قبول این فکر نبود.

دو روی داد این مشکل را از پیش پای طراحان سیاست آمریکا برداشت. یکی محاصره برلن و دیگر کودتای کمونیستی در چکسلواکی در سال ۱۹۴۸. ابتداء طبق قطعنامه واندنبرگ در سنای آمریکا بدولت توصیه شد بامتحدان خود در پیمانهای منطقه‌ای بمنظور حفظ صلح و امنیت طبق اصول منشور سازمان ملل شرکت کند. (۱۱ ژوئن ۱۹۴۸). این قطعنامه که چراغ سبزی برای امضای پیمان آتلانتیک شمالی محسوب میشد دست آمریکا را برای مذاکره با کشورهای اروپائی بمنظور امضای یک پیمان دفاعی باز گذاشت. مذاکره بین آمریکا و کانادا و پنج کشور عضو پیمان بروکسل بلافاصله آغاز شد. کشورهای ایتالیا، دانمارک، نروژ، ایسلند، پرتغال بعداً بمذاکرات پیوستند. سرانجام پیمان آتلانتیک شمالی به امضای آمریکا، کانادا و ده کشور اروپائی رسید. یونان و ترکیه در ۱۹۵۲ و آلمان فدرال در ۱۹۵۵ به عضویت پیمان درآمدند. ماهیت و تشکیلات ناتو: ناتو تنها یک اتحاد معمول نظامی نیست بلکه یک سازمان رسمی است با ارکان و سازمانهای تصمیم گیرنده مانند شورای دائمی و دبیرخانه و یک ارتش بین المللی. ناتو حوزه وسیعی را دربر میگیرد که مشتمل است بر آمریکای شمالی یک قسمت عمده اروپا و ترکیه در آسیای صغیر. پیمان آتلانتیک شمالی نیز مانند عهدنامه ریو (Rio) بر اساس ماده ۵ منشور تشکیل شده است. بموجب مواد آن طرفهای پیمان بمنظور افزایش بنیه دفاعی خود به یکدیگر کمک متقابل خواهند کرد. آنها همچنین توافق کرده اند که در صورتیکه تهدیدی متوجه یکی از آنها شود باهم مشورت کنند. طبق ماده ۵ که مهمترین ماده پیمان میباشد یک حمله مسلحانه علیه یک عضو یا بیشتر در اروپا - آمریکای شمالی و شمال آتلانتیک حمله علیه تمام اعضاء محسوب خواهد شد. کشورهای عضو موظف هستند در صورت وقوع حمله مسلحانه فرداً و جمعاً بکمک کشوری که مورد حمله قرار گرفته است بشتابند. معهدا چون اضافه شده که هر کشوری اقدامی را که خود ضروری تشخیص میدهد بعمل خواهد

آورد، تعهد مزبور تا اندازه‌ای مست شده است. دیگر اهدافی اعلام نشده ناتو کمک به آزاد ساختن رژیم‌های اروپای شرقی از تسلط دولت شوروی است. در رأس سازمان آتلانتیک شمالی یک شورا قرار دارد که مرکب از نمایندگان کشورهای عضو است. تا قبل از سال ۱۹۵۲ شورای مزبور از وزرای خارجه و برحسب مورد وزرای دفاع، اقتصاد و دارائی تشکیل می‌گردید. همچنین یک اجلاسیه‌سعاونان بطور دائم و وظائف شورا را در غیاب آن انجام می‌داد. شورای ناتو در سطح وزراء دو یا سه بار در سال و در سطح نمایندگان دائمی یک یا دو بار در هفته تشکیل جلسه می‌دهد. وظایف غیر نظامی ناتو تحت سرپرستی شورای سازمان بوسیله یک عده کمیته صورت می‌گیرد. مانند کمیته روابط فرهنگی، کشاورزی و تغذیه و مواد خام - برنامه ریزی و امور بین‌المللی.

سازمان نظامی ناتو تحت نظر یک کمیته نظامی است که توسط دو رکن دیگر در انجام وظایف خود یاری می‌شود. ناتو دارای دو فرماندهی عمده است یکی مسئول دفاع اروپا بنام (SACEUR) '۱ و دیگری مسئول دفاع منطقه اقیانوس اطلس بنام (SACLANT) '۲ همچنین یک گروه برنامه ریزی منطقه‌ای برای کانادا و ایالات متحده وجود دارد که مرکز آن در واشنگتن است.

نیروهای نظامی ناتو در اروپا به چهار فرماندهی تابعه بشرح زیر تقسیم می‌شوند: فرماندهی شمال اروپا، اروپای مرکزی، اروپای جنوبی و مدیترانه. ناتو یک سازمان فوق‌دول نیست. تصمیمات شورای دائمی با توافق آراء گرفته می‌شود و هیچ کشوری برخلاف میل خود ملزم به قبول تعهدی نیست. نیروهای ناتو تشکیل می‌شود از جمع نیروهایی که از طرف کشورها در اختیار فرمانده مشترک قرار داده می‌شود. تحول ناتو و مسائل مربوط بان را بعداً بررسی خواهیم کرد.

۱- فرمانده عالی متفقین در اروپا (Supreme Allied Commander Europe) که

مقارصلی آن به نام اختصاری (SHAPE) معروف است.

۲- فرمانده عالی متفقین در آتلانتیک (Supreme Allied Commander Atlantic)

شورای اروپا (The Council of Europe)

تعداد هشتصد نفر از طرفداران نهضت وحدت اروپا که در مه ۱۹۴۸ در کنگره لاهه گرد آمده بودند طی قطعنامه‌ای تشکیل یک مجمع پارلمانی اروپائی را خواستار شدند. این مجمع قرار بود در راه تحقق وحدت اروپای غربی فعالیت کند. پیشنهاد تشکیل مجمع عمومی اروپائی برای مذاکره به شورای مشورتی پیمان بروکسل ارجاع شد. در ماه مارس طرح تهیه شده توسط شورای مذکور با شرکت سفرای کشورهای دانمارک، ایتالیا، نروژ، سوئد و ایرلند مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام اساسنامه شورای اروپا تکمیل و به امضای نمایندگان ده کشور حاضر در کنفرانس رسید. اساسنامه مزبور در اوت ۱۹۴۹ اعتبار قانونی یافت. هدف شورای اروپا طبق اساسنامه آن تحقق وحدت بیشترین کشورهای عضو به منظور تأمین آرمانهای میراث مشترک فرهنگی آنها است. این هدفها از طریق مذاکره مسائل مورد علاقه مشترک و نیز باتوافق و اقدام مشترک در زمینه مسائل اقتصادی اجتماعی، فرهنگی، علمی، حقوقی و اداری تحقق می‌یابد.

بنابراین شورای اروپا نه یک فدراسیون و نه یک حکومت است بلکه سازمانی است بین حکومتها بمنظور هماهنگ ساختن فعالیتهای سازمانهای مختلف اروپائی. هر کشور اروپائی میتواند با $\frac{۲}{۳}$ آراء عضویت پذیرفته شود. یونان، ایسلند، ترکیه، آلمان غربی عضویت پذیرفته شده‌اند و تعداد اعضاء به چهارده کشور بالغ گردیده است. سازمان شورا مشتمل است بر یک رکن پارلمانی بنام (مجمع مشورتی) که مرکب از نمایندگان پارلمانهای کشورهای عضو است که برحسب جمعیت کشورهای عضو تفاوت میکند. جلسات مجمع مشورتی سالانه است که بمدت یکماه در اشتراسبورگ (فرانسه) تشکیل میشود. مجمع مشورتی فقط مسائلی را که بوسیله کمیته وزراء به آن ارجاع شده میتواند مورد بحث قرار دهد و تصمیمات آن صورت توصیه نامه را دارد که باید توسط وزراء تصویب شود. رکن دیگر شورای اروپا عبارت است از کمیته وزراء

که مرکب است از وزرای خارجه کشورهای عضو. در این کمیته هر کشوری یک رأی دارد و تصمیمات به اتفاق آراء اتخاذ میشود. کمیته اختیار دارد که هر تصمیمی را راجع به پیشبرد هدفهای شورا اتخاذ کند ولی بهر حال تصمیمات آن بصورت توصیه است و الزام آور نمیشد. همانطور که گفته شد شورای اروپا در درجه اول یک وسیله مذاکره بین حکومتها و یک مجمع پارلمانی با اختیارات صرفاً مشورتی است. شورای اروپا میتواند بمنزله پلی برای اتصال سازمانهای مختلف اروپائی که هدف آنها همکاری اقتصادی و نظامی و فرهنگی است دانست. بطور کلی شورا دارای صلاحیت وسیعی است و اهم وظایف آن تأمین همکاری بین سازمانهای مختلف اروپائی است. از کارهای مهم شورا تهیه تعدادی مقاله نامه در زمینه مسائل اجتماعی و اقتصادی است از قبیل مقاله نامه اروپائی حقوق بشر. همچنین شورا عرصه مناسبی برای بحث و مذاکره پیرامون تشکیل سازمانهای اروپائی میباشد. در مقاله بعد تحول سازمانهای مختلف اروپائی بویژه جوامع اروپائی را بررسی خواهیم کرد.

Bibliography

- BOWETT, D.W , the Law of International Institutions, Praeger, 1963.
- CALVOCORESSI, Peter, world politics since 1945, Longman, 1968.
- COSGROVE, Carol Ann & Twitchett, Kenneth J, ed., the New International Actors: the UN and the EEC, Macmillan, 1970.
- DEUTSCHER, Isaac ,Russia, China,and the West 1953-1966, Pelican.
- Friedmann, W, An Introduction to World Potics, Macmillan, 1868. 1970.
- GOODSPEED, S.S., the Nature &function of International organization, Oxford university press, 1967.
- HOROWITZ, David, From Yalta to Vietnam, Pelican, 1967.
- LAWSON, Ruth, ed., International Regional Organizations, Constitutional Foundations, Praeger, 1964
- Robertson A. H., European Institutions, Praeger, 1966.
- Robertson A. H., the Law of International Institutions in Europe, 1961.
- SCHUMAN Frederick L., 'International Politics, Anarchy and Order in the World Society, McGraw - Hill, 1969.
- VANDENBOSCH & HOGAN, Toward World Order, McGraw. Hill, 1963.
- WILLIS F. R., France, Germany and the New Europe 1945 - 1967, Stanford, 1968
- YALEM Ronald J., Regionalism and world order, Public affairs Press, Washington, 1965.